بر اساس خاطره ای از یک قاضی جنایی

پیامکی که راز قتل‌عام خانوادگی را لو داد

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ مهندس بدهکار، همسر، پسر ۱۱ ساله و پدر و مادرش را کشت و بعد به زندگی خودش پایان داد. سه جسد در یک خانه، دو جسد در یک دفتر کار و یک قاتل که دیگر زنده نبود؛ این تصویری بود که در اولین ساعات رسیدگی به یکی از هولناک‌ترین پرونده‌های جنایی سال ۹۶ پیش روی بازپرس رحیم دشتبان قرار گرفت. قاتل، هیچ ردی از خود به جا نگذاشته بود؛ نه غریبه‌ای وارد ساختمان شده و نه کسی از آن خارج شده بود. در ورودی خانه هم قفل بود اما چند ساعت بعد، یک پیامک روی تلفن همراه متهم، پرده از راز جنایتی برداشت که انگیزه آن، بدهی میلیاردی بود.

شهریور سال ۱۳۹۶ بود. زمانی که کلانتری ۱۲۴ قلهک خبر کشف اجساد یک زوج جوان و پسر ۱۱ ساله‌شان را در خانه‌ای حوالی خیابان یخچال اعلام کرد. به محض دریافت خبر، راهی محل شدیم. ساختمان شش طبقه بود و خانواده در طبقه دوم زندگی می‌کردند. وارد خانه که شدیم، جسد پسر ۱۱ ساله را داخل دستشویی دیدیم. در اتاق خواب نیز اجساد مینو و همسرش پژمان افتاده بود.

هر سه نفر با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بودند و بررسی‌های اولیه پزشکی قانونی نشان می‌داد ضربه به گردن، علت مرگ آنها بوده است. صحنه به گونه‌ای بود که از همان ابتدا مشخص می‌کرد با یک جنایت خانوادگی روبه‌رو هستیم؛ اما هنوز نمی‌دانستیم قاتل چه کسی است.

اجساد را خواهر مینو پیدا کرده بود. وقتی چندین بار با خواهرش تماس گرفته اما پاسخی نگرفته بود با نگرانی راهی خانه خواهرش شد. آن روز قرار بود پدر و مادر مینو که در خارج از کشور بودند، به تهران بازگردند و خانواده برای استقبال از آنها راهی فرودگاه شوند. اما مینو جواب نمی‌داد. بعد از آن با پژمان تماس گرفت؛ او هم پاسخگو نبود. نگرانی خواهر بیشتر شد و خودش را به خانه آنها رساند. خودروی زوج جوان داخل پارکینگ بود، با این حال چون کسی در را باز نکرد دلهره‌اش بیشتر شد. وقتی روی در ورودی خانه رد خون دید، دیگر مطمئن شد اتفاقی افتاده است. از یک کلیدساز کمک گرفت و در را باز کرد اما هرگز تصور نمی‌کرد با چنین صحنه هولناکی روبه‌رو شود.

محل حادثه

سوغاتی‌های کرمان

نکته عجیب این بود که در ورودی قفل بود و دوربین‌های ساختمان هم ورود و خروج فرد غریبه‌ای را نشان نمی‌دادند. زمان تقریبی مرگ نیز بین ساعت ۱۰ تا ۱۱ صبح اعلام شد.

در حال بررسی خانه بودیم که چشم‌مان به چند بسته سوغاتی افتاد که روی میز آشپزخانه قرار داشت؛ سوغاتی‌هایی از کرمان. تحقیقات نشان داد پدر و مادر پژمان در کرمان زندگی می‌کنند. با خانواده پژمان تماس گرفتیم و متوجه شدیم آنها همان روز از کرمان به تهران آمده‌اند تا پسرشان برای آنها خانه‌ای در پایتخت تهیه کند. استعلام از شرکت هواپیمایی هم نشان داد که آنها وارد تهران شده‌اند.

اما کجا بودند؟ پاسخ خیلی زود به دست آمد. فردی که قرار بود آنها را از فرودگاه تحویل بگیرد، کسی نبود جز پسرشان، پژمان. همین جا بود که معمای دیگری به این پرونده جنایی اضافه شد.

رد خون تا پله‌ها

وقتی به سراغ پارکینگ رفتیم و خودروی پژمان را بررسی کردیم روی در خودرو و قسمت صندوق عقب آثار خون دیده می‌شد. عجیب‌تر اینکه رد خون از خودرو به سمت راه‌پله‌ها ادامه داشت. این نشان می‌داد به احتمال زیاد پژمان با دست‌های خون‌آلود از خودرو پیاده شده و از پارکینگ وارد ساختمان شده بود. ساعت حدود سه بامداد بود که صحنه را ترک کردیم.

گوشی‌های تلفن همراه مقتولان را در اختیار رئیس کلانتری قرار دادم و از او خواستم محل کار پژمان را پیدا کند. فرضیه ما این بود که او ابتدا پدر و مادرش را کشته و بعد به خانه برگشته است. سه ساعت بعد، حوالی ساعت ۶ صبح، تلفن همراهم زنگ خورد رئیس کلانتری بود گفت: «آدرس شرکتش را پیدا کردم.» از او خواستم آدرس را برایم بفرستد و خودش هم راه بیفتد. شرکت در محدوده پاسداران بود. وقتی به آنجا رسیدم، فقط من و رئیس کلانتری حضور داشتیم. با کمک کلیدساز در دفتر را باز کردیم. همان لحظه با صحنه‌ای روبه‌رو شدم که آخرین تکه پازل را سر جای خودش گذاشت.

دو جسد در شرکت

اجساد خونین پدر ۶۸ ساله و مادر ۶۰ ساله پژمان داخل دفتر افتاده بودند. هر دو به همان شیوه سه قربانی دیگر به قتل رسیده بودند؛ بریدگی در ناحیه گردن. زمان تقریبی مرگ آنها نیز حدود ساعت ۹ صبح بود.

اما سؤال اینجا بود:

چطور پژمان توانسته بود پدر و مادرش را به قتل برساند، بدون اینکه آنها متوجه خطری شوند؟ رفتیم سراغ دوربین‌های مداربسته.

تصاویر همه چیز را نشان داد. پژمان با خودروی پرادو وارد پارکینگ شده بود و پدر و مادرش نیز سرنشین خودرو بودند. ابتدا همراه پدرش وارد شرکت شد. حدود ۱۵ تا ۲۰ دقیقه بعد، دوباره به پارکینگ آمد؛ اما این بار لباس‌هایش را عوض کرده بود. سپس همراه مادرش وارد دفتر شد. شواهد نشان می‌داد او ابتدا پدرش را کشته و در جریان درگیری لباس‌هایش خونی شده بود و برای اینکه مادرش متوجه اتفاقی که افتاده نشود، لباس‌هایش را عوض کرده و بعد سراغ مادرش رفته بود.

یک خانواده، پنج قربانی

دیگر شکی نداشتیم. پژمان ابتدا پدر و مادرش، سپس همسر و پسر ۱۱ ساله‌اش را به قتل رسانده و در نهایت خودش نیز به زندگی‌اش پایان داده بود. در صحنه هیچ دست‌نوشته‌ای پیدا نکردیم. قاتل خودش هم مرده بود و انگیزه جنایت هنوز برای ما روشن نبود.

چرا یک مرد ۴۰ ساله که مهندس معماری بود، تحصیلات کارشناسی ارشد داشت و زندگی به نسبت مرفهی را تجربه می‌کرد، باید دست به چنین جنایتی بزند؟

اختلاف خانوادگی می‌توانست توضیحی برای قتل همسر باشد، اما پسر ۱۱ ساله چه گناهی داشت؟

پدر و مادرش چرا باید قربانی می‌شدند؟

تحقیقات ادامه داشت تا اینکه در تلفن همراه پژمان به پیامی رسیدیم که واقعیت را روشن کرد. او برای یکی از بستگانش که خارج از کشور زندگی می‌کرد، پیام فرستاده بود. مضمون پیام کوتاه اما تکان‌دهنده بود: «نمی‌خواهم بعد از مرگم بدهی‌هایم به گردن خانواده‌ام بیفتد و خانواده‌ام نباید سختی بکشند.»

همین پیام، انگیزه قتل‌ها را روشن کرد. پژمان بدهی‌های سنگینی داشت؛ بدهی‌هایی که رقم آن در سال ۹۶ چند میلیارد بود.

او تصمیم گرفته بود با کشتن اعضای خانواده‌اش، آنها را از مشکلات مالی و بدهی‌های خودش نجات دهد. اما در واقع، برای نجات آنها، زندگی‌شان را گرفته بود.

سؤالی که هنوز باقی مانده است. سال‌ها از آن پرونده گذشته، اما وقتی به آن ماجرا فکر می‌کنم، یک سؤال همچنان باقی می‌ماند: آیا کسی حق دارد به جای دیگری برای زندگی یا مرگ او تصمیم بگیرد؟

پژمان تصور می‌کرد با مرگ خودش، خانواده‌اش با بدهی‌های او گرفتار خواهند شد و شاید می‌خواست آنها را از این آینده تاریک نجات دهد. اما هیچ‌کس حق ندارد به بهانه نجات دیگری، حق حیات را از او بگیرد. در آن پرونده، یک تصمیم اشتباه فقط به مرگ یک نفر ختم نشد. پدر و مادر، همسر و یک کودک ۱۱ ساله و در نهایت خود پژمان جان باختند. تنها چیزی که از آن خانواده باقی ماند، خانه‌ای خاموش، پنج جسد و پیامی بود که چند ساعت بعد از مرگ، راز یک قتل عام خانوادگی را برملا کرد.

پلیس در تعقیب پزشکی که بیمارانش را ناقص می کند

گروه حوادث: پزشک عمومی که با جعل عنوان جراح فوق‌تخصص زیبایی باعث آسیب و صدمه جسمی و جانی به بیماران خود شده، تحت تعقیب قرار گرفت.

چندی قبل زن جوانی با مراجعه به دادسرای جرایم پزشکی تهران از دکتر جراحش به خاطر نقص عضو و آسیب به صورتش شکایت کرد و در تحقیقات گفت: «در فضای مجازی با تبلیغات گسترده‌ای از یک دکتر مواجه شدم. فیلم‌های مختلفی از عمل‌های زیبایی بیمارانش گذاشته بود. وقتی برای عمل جراحی بینی نزد وی رفتم دکتر مدعی بود که فوق تخصص جراحی پلاستیک و پزشک زیبایی است. من هم به حرف‌هایش اعتماد کردم و جراحی بینی انجام دادم اما بینی‌ام بعد از جراحی نه تنها زیبا نشد بلکه دچار نقص هم شدم حالا هم هر چه به مطب دکتر مراجعه می‌کنم او در مطب حضور ندارد و منشی‌اش نیز پاسخگوی من نیست.»

با شکایت زن جوان، به دستور بازپرس مهدی صانعی تحقیقات آغاز شد. در بررسی‌های صورت گرفته و استعلام از سوابق این دکتر ۳۳ ساله مشخص شد که او بارها به اتهام مداخله در امر پزشکی و تبلیغ غیرمجاز در فضای مجازی بازداشت شده و پس از پرداخت دیه و جریمه‌های نقدی آزاد شده و دوباره به کارهایش ادامه داده است.

بررسی سوابق این دکتر که موسی یوسفی نام دارد نشان می‌داد او دارای مدرک پزشکی عمومی است و در مطب و بیمارستان‌ها اقدام به جراحی می‌کند. اما وقتی که در بیمارستان‌ها دست به عمل جراحی می‌زند از مهر پزشکان فوق تخصص زیبایی استفاده کرده است.

در سابقه این پزشک مشخص شد یکی از بیمارانش بعد از عمل جراحی زیبایی جان باخته است. بنابراین باتوجه به تکرار جرایم از سوی وی دستور بازداشتش صادر شد اما مأموران وقتی به سراغ وی رفتند دریافتند متهم متواری است. بازپرس شعبه دوم دادسرای جرایم پزشکی پایتخت با درخواست انتشار تصویر این پزشک فراری گفت: «کسانی که از محل زندگی او یا مخفیگاهش مطلع هستند می‌توانند با پلیس ۱۱۰ تماس گرفته و موضوع را اطلاع دهند.

همچنین با انتشار تصویر متهم، افراد متوجه می‌شوند که وی پزشک فوق تخصص زیبایی نیست و درضمن کسانی که توسط ایشان مورد عمل زیبایی قرار گرفته و به آنها آسیب رسیده است، برای شکایت به این دادسرا مراجعه کنند.

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۹۱۲۳

جدول عادی

افقی

۱- برزن و معبر- لقب جامی
۲- دوران- خط روشندلان- به صلیب آویخته
۳- ماسک- بی‌صدا- معبر میان کوه
۴- وسیله پرواز- تعیین سطح پایه سلامت هر فرد- سربها و قربانی
۵- ناپیدا- قاشق شکم‌گنده- کشش، ابهت
۶- بی‌بیمی- کهنسال- چیزی که دیده بشود- از ویتامین‌ها
۷- خراب و ویران کننده- ایثارگر- ناب
۸- مشغول به کار- خوراک بیمار- نام‌آوری
۹- یک حرف و سه حرف- دخالت کردن- سمت راست
۱۰- دختر- وسط و بین- تلفظ «م»- شبیه
۱۱- نوعی سس و ادویه- حمله- مضمون اثر ادبی
۱۲- خالکوبی- مال آدم‌های خسیس خشک است- زمزمه کردن
۱۳- پوشیده و مخفی- شهری در استان مرکزی- جا گرفته
۱۴- برنج مرغوب شمال کشورمان- بی‌باک و شجاع- سیاهرگ
۱۵- سرکش و نافرمان- محلی برای فروش غذا و نوشابه در مکان‌های عمومی

عمودی

۱- پلیس مخفی- میوه پوست‌ضخیم
۲- منظره- مدارا، همراهی- برانگیخته شدن
۳- چالاک- حلاج- دستخط خوش
۴- دارای یک اسم- ژرف- دوباره‌کاری- اسم
۵- قسمتی کوهستانی در گیلان- تکیه دادن- صدای اردک
۶- همان «خوب»- دریغ خوردن- گذرگاه سرپوشیده
۷- جمع رأی- در کنار سماور- پول معاش
۸- از مصالح ساختمانی- کلمه درد- نظریه انتقال روح
۹- زمین‌دار بزرگ- گفت‌وگوی تلفنی- توانایی
۱۰- پیشامد، جریان- نجوم- طریق میانبر
۱۱- قلق- پذیرفتن- گناهکار
۱۲- شش ده تا- ویتامین موز- کلام چوپان- وابسته، مربوط
۱۳- خوراک ستور- ضد «گرما»- ترن مخفی
۱۴- چگونگی انجام گرفتن یک کار- هنرپیشه- ظرف جابه‌جایی مایعات
۱۵- دستور رسمی- مذکور

جدول ویژه

افقی

۱- مکمل پیله!- اصطلاحی در فیلم‌ها
۲- حالت گازی هر ماده- سفینه فضایی- جنگل مناطق سردسیر
۳- مهم بودن- کشور آفریقایی- لرزش
۴- پادشاهان- برنا- برچسب
۵- دستیار هیتلر- قوه سخنگویی- آهسته
۶- فیلمی از عبدالرضا کاهانی- رقیب شیر در جنگل- کلان- تصدیق فرنگی
۷- عددی پرتوان در ریاضی- پارچه نخی نازک- سلطان شطرنج
۸- بی‌خود و بی‌جهت- مقام قهرمان- آنفلوانزا
۹- جرقه آتش- اکسید خاک- آشنا
۱۰- سیستم آسان‌پرداخت- جای کشتن- پسوند ساخت صفت- نام «نیاستی» بانوی بازیگر
۱۱- شرکت سوئدی سازنده وسائط نقلیه و قطعات آن- روش، قاعده- بیش‌طلبی
۱۲- مته برقی- کم‌پهنایی- اشاره رمزگونه به شخص ثالث
۱۳- شکاف باریک- مجلس «تایوان»- کشتیبان
۱۴- فرار و شکست در جنگ- امر به آموختن- قطعه کوتاه تبلیغاتی
۱۵- شیرینی محلی گیلان- مهم و برجسته

عمودی

۱- اثر «کازوئو ایشیگورو»- شهر استان تهران
۲- گریبان- زبانی در برنامه‌نویسی- اسم مصدر از «ریختن»
۳- حیوانی اهلی- دستگاه آب‌سردکن- شهرستان
۴- شیطان- پول «آلبانی»- کم‌رنگ- گله
۵- نقش بهنام تشکر در سریال «وارش»- از احجار کریمه- داخل
۶- غذای نذری- پزشک‌ها- کشور «ریگا»
۷- سخنان بیمار- تذرو- رنگ مایع قابل شست‌وشو در نقاشی
۸- حاصل- جغد- نامی پسرانه
۹- مهربان- کلینیکی- نام مقامی از ۱۲ مقام موسیقی
۱۰- مشاور- فراموشکار- لقب پدر رستم
۱۱- تذکره- عید ایرانیان- گیاه گونی‌بافی
۱۲- بازنده شطرنج- درخت هندی- مرتجع معروف- علفزارها
۱۳- کاشکی- بخت- ناگوار
۱۴- واحد نظامی- شرکت ژاپنی موتورساز- دست‌کج
۱۵- رود «چین»- ارگانیسم

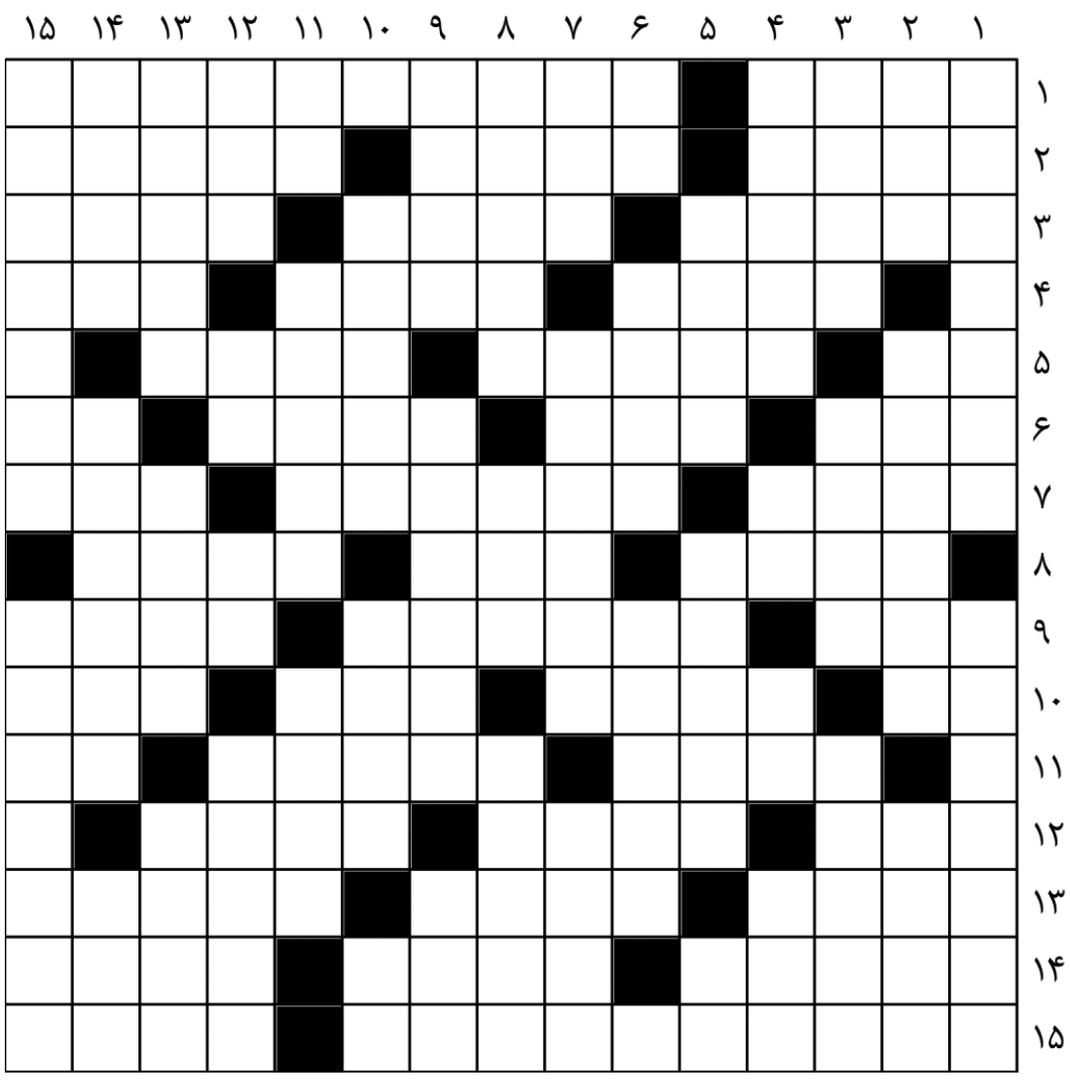

حل جدول عادی شماره ۹۱۲۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ف	ر	ه	ی	خ	ت	ه	■	ط	ب	و	ر	ز	ش	ی
۲	ر	و	ی	ت	■	ا	و	ر	■	ن	ا	ن	و	ا	ر
۳	و	د	ا	■	ب	ر	م	و	د	ا	■	م	د	ی	ر
۴	د	س	ت	و	ر	■	و	ل	■	ش	م	ش	■	د	گ
۵	گ	ر	■	ف	ا	ر	س	■	ت	و	ه	ی	ن	■	ی
۶	ا	■	ح	ق	و	ق	■	گ	ا	ر	ی	■	ا	م	ر
۷	ه	ر	ب	■	و	ی	و	ل	ن	■	چ	ک	و	ز	ی
۸	■	خ	و	د	■	ب	ا	س	ی	ل	■	م	د	■	■
۹	ت	ن	ب	ی	ه	■	ک	ن	س	و	ل	■	ی	ا	س
۱۰	ا	ه	ا	■	چ	ر	ن	گ	■	و	ا	ب	س	■	ن
۱۱	م	ت	■	چ	ر	ی	ش	■	د	ر	ی	ک	■	ا	گ
۱۲	و	ب	■	ن	ی	ش	■	گ	ل	■	ک	ن	د	ر	و
۱۳	چ	ا	و	ا	■	ه	و	ا	ف	ض	ا	■	ا	م	ا
۱۴	ر	ب	ا	ی	ش	■	ا	ه	ا	ی	■	ف	ر	ا	ر
۱۵	ی	ک	ه	ت	ا	ز	ی	■	ن	ا	ش	ی	ا	ن	ه

حل جدول ویژه شماره ۹۱۲۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	چ	ش	م	س	ف	ی	د	■	گ	و	ا	ر	ا	ن	ی
۲	ا	ی	ذ	ه	■	ب	خ	ش	ش	■	ل	ا	م	ب	ا
۳	د	د	ه	■	م	س	ا	و	ا	ت	■	د	ر	ا	ی
۴	ر	و	ب	ن	ا	■	ل	ی	■	ص	ب	ا	■	ل	و
۵	م	ر	■	ه	ب	ش	ت	■	غ	و	ا	ر	ض	■	ن
۶	ل	■	ق	ض	ی	ه	■	ک	ر	ف	س	■	م	ت	د
۷	و	ا	ر	■	ت	ر	ش	ر	و	■	ک	ت	ی	ب	ه
۸	■	م	م	ر	■	ت	ن	ا	س	ب	■	س	ر	ب	■
۹	ف	ر	ه	ا	د	■	ا	ن	ک	ا	ر	■	ا	ر	د
۱۰	ت	ا	ب	■	ا	ب	س	ه	■	ز	م	ی	ن	■	ک
۱۱	و	■	ه	م	ر	ا	ه	■	ا	ل	ن	ا	■	ا	م
۱۲	س	م	■	ا	و	ر	■	ف	خ	■	د	ل	گ	ر	م
۱۳	ن	ق	ا	د	■	د	ی	ش	ل	م	■	ی	ا	ر	■
۱۴	ت	ا	ب	و	ت	■	ش	م	ا	ر	■	ک	و	ک	و
۱۵	ز	م	ی	ن	ب	س	ت	■	ق	د	ر	ت	ی	ز	ن